

تأثیر جرم‌یابی توسط پلیس بر رعایت حقوق شهروندی و اجرای عدالت کیفری

جعفر آقاخانی^۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۱۰/۲۳ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۱۲/۲

از صفحه ۴۱ تا ۵۸

چکیده

زمینه و هدف: حقوق شهروندی یکی از حوزه‌های جدید در حقوق عمومی و کیفری است و در سال‌های اخیر توجه زیادی را به خود معطوف کرده است. در این مقاله سعی شده با اشاره به نقش پلیس در کشف جرم و تحقیقات مقدماتی، بهره‌گیری از علم جرم‌یابی به عنوان مانع رفتار غیرقانونی پلیس را مطالعه کرده تا از این گذر حقوق شهروندان اعم از شاکی، متهم، شاهد، مطلع و ... به نحو مطلوب رعایت شود.

روش تحقیق: این تحقیق از نظر هدف کاربردی و با روش توصیفی-تحلیلی انجام شده است.

یافته‌ها: مفهوم و مصادیق حقوق شهروندی، نهادهای مسئول و ضمانت‌های اجرایی آن بخش مهمی از مباحث مرتبط به موضوع را به خود اختصاص داده است. در این میان نقش مأموران پلیس در رعایت و تضمین حقوق شهروندان غیرقابل انکار بوده و این افراد در جایگاه و مسئولیت‌هایی واقع شده‌اند که از سویی وظیفه حفظ این حقوق را بر عهده داشته و از سوی دیگر بیش از دیگران فرصت نقض آن را دارند. با نگاهی به نقش پلیس در نظام عدالت کیفری و قوانین و مقررات موجود ملاحظه می‌شود که پلیس در کشف جرم و تحقیقات مقدماتی نقش فعالی دارد و نیروهای پلیس برای انجام وظایف مختلف از جمله برقراری نظم و امنیت در جامعه ناگزیر از انجام اعمالی هستند که در مواردی شاید منجر به نقض حقوق شهروندان شده و از سوی دیگر سهل‌انگاری در انجام این وظایف موجب از بین رفتن امنیت، افزایش بزهکاری و درنهایت گریز متهمان و مجرمان از چنگال عدالت شود. با این حال به نظر می‌رسد که رعایت حقوق شهروندی نه تنها مانع انجام وظیفه پلیس در برقراری نظم و امنیت نیست، بلکه هدف نهایی پلیس نمی‌تواند چیزی جز حمایت از حقوق شهروندی باشد.

نتیجه‌گیری: آنچه اهمیت موضوع را بیشتر می‌کند اقدام صحیح پلیس در انجام وظیفه قانونی است، به گونه‌ای که عملکرد این بخش از نظام کیفری موجب تضییع حقوق افراد و شهروندان نشود.

کلیدواژه‌ها: حقوق شهروندی، جرم‌یابی، ضابطان دادگستری، تحقیقات مقدماتی، عدالت کیفری.

مقدمه

حقوق شهروندی به‌عنوان یکی از مهم‌ترین ارکان نظام اجتماعی ابعاد مختلفی دارد که از بارزترین آن حقوقی است که شهروندان اعم از شاکی و متهم و سایر افراد مرتبط با پرونده کیفری در مواجهه با دستگاه‌های اجرایی نظام عدالت کیفری دارند و بررسی اجزای مرتبط با چرخه عدالت کیفری نشان می‌دهد که پلیس به‌عنوان ضابط دادگستری وظیفه حفظ نظم اجتماعی و اجرای دستورات مقام قضایی را عهده‌دار است و این نیرو بیش از سایر نهادهای عدالت کیفری با مردم ارتباط دارد؛ بنابراین بین وظایف ضابطان دادگستری با حقوق و آزادی‌های اشخاص رابطه مستقیم وجود دارد، به‌طوری‌که انجام صحیح این وظایف توسط ضابطان دادگستری موجب حفظ حقوق اشخاص خواهد شد (قاسم پور ۱۳۸۱: ۱۱۹).

با این وصف حفظ حقوق شهروندی شاکی، متهم، شاهد، مطلع و... در مسیر دادرسی کیفری از کشف جرم تا پایان تحقیقات مقدماتی می‌تواند از مهم‌ترین وظایف مأموران پلیس و ضابطان دادگستری باشد. از سوی دیگر تجربه نشان داده که چه‌بسا در موارد محدود ممکن است برخی متصدیان تحقیقات در جهت انجام وظیفه و باهدف کشف حقیقت اقدام به بدرفتاری نمایند که این رفتارها در بسیاری از کشورها دلایل حاصل از نقض حقوق فردی محسوب شده و دلایل حاصل از اقرار مقرون به شکنجه، هم باطل و هم موجب مسئولیت مدنی و کیفری مأمور اخذ اقرار است و در حقوق آمریکا این تئوری مطرح است که «میوه درخت تلخ ارزش ندارد» (انصاری ۱۳۸۰: ۲۷).

در قانون مجازات اسلامی از این‌گونه رفتارها به‌عنوان جرم یاد شده و برای آن مجازات تعیین شده است.^۱ هم‌چنین قوانین مختلفی در جهت لزوم رعایت حقوق شهروندی افراد توسط مقامات قضایی و پلیس وضع شده که در آخرین مورد

۱ - اشاره به ماده ۵۷۸ قانون مجازات اسلامی تعزیرات که مقرر می‌دارد هر یک از مستخدمین و مأمورین قضایی یا غیر قضایی دولتی برای اینکه متهمی را مجبور به اقرار کند او را اذیت و آزار بدنی نماید علاوه بر قصاص یا پرداخت دیه حسب مورد به‌حساب از ۶ ماه تا ۳ سال محکوم می‌گردد و چنانچه کسی در این خصوص دستور داده باشد فقط دستوردهنده به مجازات حبس مذکور محکوم خواهد شد و اگر متهم به‌واسطه اذیت و آزار فوت کند مباشر مجازات قاتل و آمر مجازات آمر قتل را خواهد داشت.

قانون‌گذار در ماده ۷ قانون آیین دادرسی مصوب ۱۳۹۲ ضمن تأکید بر رعایت حقوق شهروندی افراد، برای ناقضان آن نیز ضمانت اجرا تعیین نموده است؛ اما به نظر می‌رسد آنچه بیش از وضع قانون کیفری و جرم‌انگاری این رفتارها برای پیشگیری از رفتارهای نادرست و تعرض به حقوق انسانی افراد می‌تواند مؤثر باشد، افزایش آگاهی و تخصص مجریان قانون و کلیه افراد دخیل در نظام کیفری به‌ویژه مأموران پلیس و ضابطان دادگستری است.

آنچه در این مقاله مورد بررسی قرار گرفته لزوم استفاده پلیس و ضابطان دادگستری از دانش جرم‌یابی در انجام وظایف قانونی است؛ زیرا وقتی پلیس با دانش تخصصی خود بتواند به‌راحتی و به‌صورت قانونی و محکمه‌پسند حقیقت را کشف و وظیفه خود را در قبال نظام دادرسی انجام دهد، طبیعتاً کمتر شاهد نقض حقوق شهروندی در مرحله کشف جرم و تحقیقات مقدماتی توسط پلیس خواهیم بود. برای روشن شدن بیشتر موضوع با نگاهی اجمالی به دستاوردهای علم جرم‌یابی و نقش و کارکرد آن در هر کدام از کنش‌گران عدالت کیفری در جهت پاسخگویی به این پرسش‌ها برآمدیم که:

- آیا علم جرم‌یابی می‌تواند در رعایت حقوق شهروندی افراد مؤثر باشد؟
 - آیا بهره‌گیری ضابطان دادگستری از علوم روز در حوزه کشف علمی جرم و جرم‌یابی می‌تواند آن‌ها را از رفتارهای غیرقانونی در کشف حقیقت بی‌نیاز نماید؟
- فرضیه این تحقیق بر آن مبنا است که اگر ضابطان دادگستری به علم جرم‌یابی و ابزارهای علمی مجهز شده و وظایف محوله توسط مقامات قضایی را در حوزه تحقیقات مقدماتی از طریق علمی انجام دهند، طبیعتاً از هرگونه فشار بر متهم و سایر افراد مرتبط با پرونده بی‌نیاز شده و درنهایت این بخش از نظام عدالت کیفری که ارتباط بیشتری با مردم دارند از هرگونه خطا و رفتارهای غیرقانونی در امان مانده و بافتخار می‌توانند داعیه پلیس متخصص اسلامی که برای کرامت انسانی همه افراد اعم از مظنون و متهم حرمت قائل است را داشته باشند.
- این تحقیق به روش اسنادی و میدانی و با تحلیل و ارزیابی منابع موجود و استناد به اصول کلی حقوق کیفری و مطابقت با آن‌ها صورت گرفته است.

مهم‌ترین اهداف نظری آن ایجاد این باور است که پلیس می‌تواند به‌عوض رفتارهای غیرقانونی و نامتعارف که با حقوق شهروندی افراد ناسازگار است از فناوری روز دنیا در حوزه کشف علمی جرایم و علم جرم‌یابی استفاده کرده و تدریجاً روش‌های سنتی یا نادرست خود را کنار بگذارد.

مهم‌ترین هدف کاربردی آن، بهره‌گیری هرچه بیشتر سیستم ناجا و ضابطان دادگستری به‌عنوان یکی از ارکان نظام عدالت کیفری از علم جرم‌یابی بوده که عملاً دربردارنده انجام‌وظیفه سریع و صحیح و با رعایت موازین قانونی افراد پلیس خواهد بود.

گفتار اول: جایگاه پلیس در نظام عدالت کیفری

۱-۱- نقش پلیس در چرخه عدالت کیفری: در مجموعه نظام عدالت کیفری بخش‌های مختلفی دخالت دارند که هرکدام از آن‌ها به‌نوبه خود در جهت گردش صحیح این چرخه نقش آفرینی می‌کنند که نقش برخی بنا به دلایلی پررنگ‌تر از دیگر بخش‌ها خودنمایی می‌کند. این امر اغلب به علت تقسیم کار نامتوازن یا جواز قانونی برای محول نمودن امور به سایر بخش‌ها اتفاق می‌افتد، اما مسلم است که نقش پررنگ پلیس در نظام عدالت کیفری قابل‌انکار نیست؛ زیرا از زمان کشف جرم تا مرحله اجرای حکم، حضور بسیار مؤثری در این چرخه دارد. به‌طوری‌که پس از کشف جرم که اغلب توسط پلیس انجام می‌گیرد، موضوع به مرجع قضایی منعکس می‌شود و مرجع قضایی دستوراتی در راستای تحقیقات مقدماتی به پلیس صادر می‌کند که این امر بخش اعظم روند رسیدگی مقدماتی به جرم کشف‌شده را شامل می‌شود. قانون‌گذار وظیفه تحقیقات مقدماتی را بر عهده بازپرس قرار داده، ولی به او اجازه داده که برخی وظایف خود را به ضابطان دادگستری محول کند. به‌طوری‌که در ماده ۹۸ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ آمده است، «بازپرس باید شخصاً تحقیقات و اقدامات لازم را به‌منظور جمع‌آوری ادله وقوع جرم به عمل آورد، ولی می‌تواند در غیر جرایم موضوع بندهای الف، ب، پ، ت ماده ۳۰۲ این قانون تفتیش، تحقیق از شهود و مطلعان جمع‌آوری اطلاعات و ادله وقوع جرم و یا هر اقدام دیگری را که برای کشف جرم لازم بداند، پس از دادن تعلیمات لازم به ضابطان دادگستری

ارجاع دهد که در این صورت ضمن نظارت، چنانچه تکمیل آن‌ها را لازم بداند، تصمیم مقتضی اتخاذ می‌کند».

بنابراین ملاحظه می‌شود که عملاً مقامات دادسرا بخش اعظم وظایف مربوط به تحقیقات مقدماتی را با مجوز قانونی به ضابطان دادگستری محول می‌نمایند، لذا کشف جرم آغاز ارتباط فراگیر ضابطان دادگستری با افراد دخیل در پرونده اعم از شاکی، متهم، شهود، مطلعین، وکلا و... خواهد بود، ارتباطی که در هر مرحله از آن ظرافت‌هایی وجود دارد که بدون احاطه بر دانش روز، امکان خطا و نقض قانون و حقوق شهروندی افراد دور از ذهن نخواهد بود.

۱-۲- الزامات قانونی رعایت حقوق شهروندی توسط ضابطان دادگستری:
هر چند مفهوم حقوق شهروندی در نظام دادرسی اسلامی برگرفته از اصل کرامت ذاتی انسان و اصل برائت و حق طبیعی هر فرد است و اصل کرامت انسانی در قلمرو حقوق کیفری شکلی نیز از جایگاه والایی برخوردار بوده و دارای نقش محوری و بنیادین است، این اصل در تضمین مشروعیت نظام عدالت کیفری، قانونمند کردن اعمال محدودیت بر حقوق و آزادی‌های اساسی شهروندان، جهانی‌شدن حقوق کیفری و تعدیل حاکمیت کیفری مطلق و انحصاری دولت‌ها دارای اهمیت و نقش اساسی است (رحیمی نژاد ۱۳۸۷: ۱۶۵).

اصطلاح حقوق شهروندی در نظام حقوقی ایران اصطلاح جدیدی به شمار می‌رود که هم‌زمان با تصویب قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی وارد حقوق کیفری ایران شد. حقوق شهروندی در متن بخشنامه و قانون حقوق شهروندی در واقع معادل و به معنای حقوق بنیادین با حقوق بشر با هدف تأکید به رعایت کرامت انسانی مظنون، متهم و شاکی در فرآیند کیفری به کار برده شده است (آقاخانی و سارخانلو ۱۳۹۴: ۴۱).

البته باید توجه نمود که قبل از قانون مذکور در قوانین و مقررات کشور تدابیر و تضمین‌هایی برای رعایت حقوق شهروندی به صورت عام پیش‌بینی شده که مهم‌ترین این تضمین‌ها عبارت‌اند از: ۱- تساوی حقوق و حمایت یکسان از همه افراد در اصول ۲۰ و ۱۹ قانون اساسی ۲- منع دستگیری و توقیف غیرقانونی در اصل ۳۲ قانون

اساسی ۳- منع تبعید خودسرانه و غیرقانونی در اصل ۳۳ قانون اساسی ۴- حق دادخواهی و داشتن وکیل در اصول ۳۴ و ۳۵ قانون اساسی ۵- قانونی بودن جرم و مجازات در اصل ۳۶ قانون اساسی ۶- اصل برائت در اصل ۳۷ قانون اساسی ۷- منع شکنجه به منظور گرفتن اقرار در اصل ۳۸ قانون اساسی ۸- احترام به کرامت و حیثیت انسانی افراد دستگیرشده و زندانی در اصل ۵۷ قانون اساسی ۹- علنی بودن محاکمات در اصل ۱۶۵ قانون اساسی ۱۰- قانونی و مستدل و مستند بودن احکام در اصل ۱۶۶ قانون اساسی. ولی همان طور که گفته شد عبارت حقوق شهروندی از سال ۱۳۸۳ پا به عرصه قوانین کشور ما گذارده و در ادامه با تصویب قانون آیین دادرسی کیفری سال ۱۳۹۲ پیرنگ و کاربردی تر در صحنه ادبیات حقوقی قانون گذار جمهوری اسلامی ظاهر شد.

در ماده ۷ قانون آیین دادرسی کیفری سال ۱۳۹۲ مقرر شده: «در تمام مراحل دادرسی کیفری رعایت حقوق شهروندی مقرر در قانون اقدام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی مصوب ۸۳/۲/۱۵ از سوی تمام مقامات قضایی، ضابطان دادگستری و سایر اشخاصی که در فرآیند دادرسی مداخله دارند الزامی است. متخلفان علاوه بر جبران خسارت وارده به مجازات مقرر در ماده ۵۷۰ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) مصوب ۱۳۷۵/۴/۴ محکوم می‌شوند، مگر آنکه در سایر قوانین مجازات شدیدتری مقرر شده باشد».

هرچند اجرای قانون مصوب نیاز به تأکید ندارد، ولی عدم اقبال به اجرای مفاد قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی موجب شده که قانون گذار اجرای آن را تصریح نموده و بر رعایت حقوق شهروندی تأکید نماید. در این قانون علاوه بر طرفین دعوی به حقوق سایر اشخاص که در فرآیند دادرسی مداخله دارند نیز تأکید شده و این افراد طبیعتاً اشخاصی مانند مطلع، مظنون، شاهد و ... است (سلیمی و بخشی زاده ۱۳۹۳: ۹).

توجه به مفاد قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی نشان می‌دهد که در این ماده واحد ۱۴ بند ذکر شده که حداقل ۱۱ بند آن به صورت مستقیم یا غیرمستقیم با عملکرد ضابطان دادگستری ارتباط دارد.

گفتار دوم: جرم‌یابی و پلیس قانون‌مدار

۲-۱- دانش جرم‌یابی و رعایت حقوق شهروندی: امروزه چشم‌پوشی و نادیده گرفتن تحولات علمی از کسی پذیرفته نیست و هیچ سیستمی نمی‌تواند از کنار تحولات علمی در عرصه‌های مختلف بی‌تفاوت عبور نماید و اگر چنین کند یقیناً به اهداف خود نرسیده و حداقل اینکه از عرصه رقابتی دنیای روز که دنیا سرعت، دانش و فناوری است، عقب خواهد ماند. این موضوع در بحث نظام عدالت کیفری نیز مصداق داشته و ضرورت دارد که یک نظام قانونمند عدالت‌گرا در تحقیقات جنایی برای کشف حقیقت از دستاوردهای کشف علمی جرم بهره‌بردارد. دانش جرم‌یابی^۱ شاخه‌ای از علوم جنایی تجربی و مجموعه دانش‌ها و فنونی هستند که به کشف جرم و شناخت و دستگیری بزهکاران کمک می‌کند (اردبیلی ۱۳۹۲: ۷۰). جرم‌یابی از اصول علمی و فناوری جدید به‌منظور بررسی مدارک صحنه جرم و دستیابی به اطلاعات واقعی استفاده می‌نماید (سیگل ۱۳۸۶: ۹۴۲). یک جرم‌یاب با استفاده از علوم شیمی، فیزیک، زمین‌شناسی، زیست‌شناسی و ... در تحلیل دلایل مادی کشف‌شده در صحنه جرم می‌تواند به اطلاعاتی دست یابد که تصور آن برای محققان و مسئولین سنتی کشف جرم امکان‌پذیر نیست.

یکی از مهم‌ترین مظاهر رعایت حقوق شهروندی حق دادرسی عادلانه است و یکی از مهم‌ترین ابزارهای دادرسی عادلانه استفاده از دلایل علمی برای کشف حقیقت است. حتی در قرآن کریم و حدیث‌ها و روایت‌های منصوب به ائمه اطهار علیهم‌السلام نیز دلایل مادی و حسی برای رد یا اثبات امری، مورد توجه و عنایت قرار گرفته است. این امر به‌خودی‌خود می‌تواند تأکید‌کننده مشروعیت این قبیل راهنماها (دلایل) در دادرسی‌های کیفری باشد، برای نمونه در قرآن کریم در داستان زندگی حضرت یوسف (ع) آمده است وقتی برادران آن حضرت پیراهن خون‌آلود یوسف را به‌عنوان مدرک کشته شدن او، خدمت پدر آوردند و مدعی شدند که گرگ یوسف را دریده و خورده است، حضرت یعقوب (ع) به دلیل پاره نبودن پیراهن (دلیل مادی) نتوانست ادعای فرزندان خود را بپذیرد؛ زیرا خردمندانه نبود که گرگ کسی را

بدرد و بخورد ولی پیراهن او پاره نشود (آخوندی ۱۹۳۲: ۱۳۴). بامطالعہ روایات منصوب به حضرت علی (ع) نیز مشاهده می‌شود که تعداد قابل ملاحظه‌ای از قضاوت‌های آن حضرت با اتکا به دلایل مادی و فیزیکی بوده است که امروزه همگی از نظر علمی قابل توجیه و اثبات است (نجابتی ۱۳۹۲: ۱۶)؛ بنابراین ملاحظه می‌شود با استفاده از دلایل علمی و علم جرم‌یابی حقیقت پنهان در پرونده‌های کیفری آشکار شده و حقوق طرفین دعوا رعایت می‌شود.

اگر به موضوع استفاده از شکنجه و آزارهای بدنی و به‌طور کلی رفتارهای غیرقانونی به‌عنوان یکی از بارزترین مصادیق نقض حقوق شهروندی توجه شود، به‌راحتی می‌توان دریافت که علت اصلی چنین اقداماتی برخورد با پرونده‌های حل‌نشده و استفاده نکردن از روش‌های علمی برای کشف جرم است؛ زیرا اگر مأمور رسیدگی‌کننده به پرونده، راه‌های علمی احراز بزهکاری و کشف حقیقت را نداند به‌ناچار در پی گرفتن اقرار از متهم با راه‌های غیرمعارف و غیرقانونی برمی‌آید؛ بنابراین بهره‌گیری از علم جرم‌یابی می‌تواند برای جلوگیری از رفتارهای غیرقانونی، ابزار مهم بازدارنده محسوب شود.

۲-۲- اقدامات ضابطان دادگستری و حقوق شهروندی: نقش پلیس در کشف جرم و تحقیقات مقدماتی در نظام دادرسی کشور ما بسیار فعال و تأثیرگذار است و مخاطب این اقدامات شهروندانی هستند که گاهی در نقش مظنون و متهم و گاهی در نقش شاکی و شاهد و مطلع یا سایر افراد مرتبط با پرونده ظاهر می‌شوند. مسلماً ارتباط تنگاتنگ و چالش مستمر ضابطان دادگستری با این افراد ممکن است آن‌ها را در مظان نقض حقوق شهروندی افراد جامعه قرار دهد، البته روشن است که هدف اصلی مأموران پلیس انجام وظیفه و کشف حقیقت و توفیق در به ثمر رساندن تحقیقات و معلوم نمودن مجهولاتی است که مانع تعیین تکلیف و صدور حکم توسط مقامات قضایی می‌شود. قانون‌گذار در ماده‌واحد احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی مقامات قضایی و ضابطان قوه قضاییه را مکلف به رعایت حقوق افراد نموده و در بندهای ۱۵ گانه ماده مذکور مصادیق آن را تصریح نموده است.

ماده‌واحد، در بند ۴ رعایت اخلاق اسلامی را در مقابل همه افراد مرتبط با پرونده

اعم از دادخواهان و اشخاص در مظان اتهام و مطلعان و حتی مجرمان ضروری دانسته است؛ بنابراین از نظر قانون‌گذار نه تنها متهم، بلکه شخص مجرم که ارتکاب جرم توسط وی به اثبات رسیده به‌عنوان شهروند دارای حقوق معرفی شده است و حقوق او باید توسط مجریان قانون محترم شمرده شود. با این وصف ضابطان دادگستری از هرگونه رفتار غیرانسانی حتی برای شخص مجرم منع شده‌اند. رفتار غیرانسانی رفتاری است که به‌صورت عمدی موجب درد و رنج شدید روحی یا جسمی می‌شود. در مواردی منابع حقوقی از رفتارهای تحقیرکننده نیز یاد کرده‌اند که قانون‌گذار در بند ۶ ماده‌واحد به ایدای افراد دستگیرشده مانند بستن چشم و سایر اعضا، تحقیر و استخفاف اشاره نموده است. این نوع رفتارها، رفتارهایی هستند که توانایی جسمی و روحی قربانی را درهم‌شکسته و موجب می‌شود فرد، احساس حقارت و ذلت و خواری نماید.

در بند ۹ ماده‌واحد آمده هرگونه شکنجه متهم به‌منظور اخذ اقرار یا اجبار او به امور دیگر ممنوع بوده و اقرارهای اخذشده بدین‌وسیله حجیت شرعی و قانونی نخواهد داشت و در بند ۱۰ نیز آمده است تحقیقات و بازجویی‌ها باید منطبق بر اصول و شیوه‌های علمی و قانونی و آموزش‌های قبلی و نظارت لازم صورت گیرد و با کسانی که ترتیبات و مقررات را نادیده گرفته و در اجرای وظایف خود به روش‌های خلاف آن متوسل شده‌اند بر اساس قانون برخورد جدی صورت گیرد.

بنابراین روشن است که قانون‌گذار در ماده‌واحد سال ۱۳۸۳ به لزوم رعایت حقوق شهروندان در عرصه‌های مختلف، مخصوصاً نظام دادرسی به‌منظور رعایت عدالت کیفری تأکید داشته و در ماده ۸ قانون آیین دادرسی کیفری برای عدم رعایت آن ضمانت اجرا پیش‌بینی کرده است.

گفتار سوم: کارکردهای جرم‌یابی برای حفظ حقوق شهروندی

اگر به‌صورت کلی به مصادیق مختلف نقض حقوق شهروندی توسط ضابطان دادگستری در جریان تحقیقات مقدماتی که مورد توجه قانون‌گذار قرار گرفته دقت شود می‌توان دریافت که عوامل مختلفی ممکن است در رعایت نکردن حقوق شهروندی و برخورد نامناسب پلیس با مردم مؤثر باشد که از این میان می‌توان به

کثرت مأموریت و تراکم کاری، کمبود نیرو و امکانات و نداشتن آموزش کافی و حتی نارضایتی‌های شغلی اشاره نمود، اما با توجه به انگیزه‌های معنوی و ایثار و از خودگذشتگی غالب مأموران پلیس به نظر می‌رسد مهم‌ترین عامل عدم تسلط و استفاده نکردن از دستاوردهای علوم نوین است. اگر ضابطان دادگستری به علوم روز کشف جرم و تحقیقات جنایی مجهز باشند طبیعتاً به راحتی و با دقت و سرعت و صحت عمل در مأموریت‌های خود موفق بوده و شهروندان نیز در این راستا از حقوق قانونی خود بهره‌مند خواهند شد.

علم جرم‌یابی با بهره‌گیری از دستاوردهای روز دنیا به کمک کشف جرم و نظام عدالت کیفری شتافته تا ضمن توفیق در پی‌جویی‌های جنایی حقوق شهروندان نیز رعایت شود. از عمده‌ترین کارکردهای این علم می‌توان به موارد زیر اشاره نمود.

۳-۱- اثبات جرم: اثبات جرم یکی از مهم‌ترین مسائل در نظام عدالت کیفری است. تا اواخر قرن نوزدهم شیوه کشف جرم و دستگیری متهمان شکلی یکسان و تعریف شده داشته، به طوری که افراد پلیس در صحنه جرم حاضر و نسبت به جمع‌آوری دلایل و استماع اظهارات مطلعین و حاضرین صورت‌مجلس لازم را تهیه و با توجه به اطلاعات به دست آمده، به دنبال دستگیری مرتکب یا مرتکبین احتمالی بودند. عدم توفیق در رسیدگی‌ها و پیشرفت علوم و فناوری در زمینه‌های مختلف علم جدید را تحت عنوان جرم‌یابی به علوم جنایی افزود و به تدریج پلیس کشورهای مختلف برای مبارزه با بزهکاری و کشف جرم و دستگیری مجرمان به روش‌های خاص علمی متوسل شدند. در حال بررسی پیرامون شیوه‌های ارتکاب جرم و وسایل به کاررفته در انجام آن و آثار و نشانه‌هایی که از مجرم باقی مانده است، موضوع مطالعات کشف علمی جرم است. استفاده از علوم مختلف جهت تشخیص جعل و اسناد مجعول، تعیین نوع سلاح مورد استفاده در صحنه جرم، چهره‌نگاری و بررسی آثار انگشت، بهره‌گیری از DNA با استفاده از آثار بیولوژیکی برجای مانده در صحنه جرم، تشخیص ماهیت مواد از طریق آزمایشگاه‌های شیمی جنایی و ... نظام دادرسی را در وضعی قرار می‌دهد که برای کشف جرم و اثبات آن نیازی به نقض حقوق متهم و مظنون و به طور کلی شهروندان نخواهد داشت.

برای ارزیابی، تحلیل و مقایسه مواد و موضوعات مرتبط با جرم یا افکاری که به جرم مربوط می‌شوند، به راحتی می‌توان از متخصصین علوم جرم‌یابی یاری جست (نجفی ایرندآبادی و هاشم بیگی ۱۳۷۷: ۷۸). جرم‌یابی علمی است که به مطالعه پدیده مجرمانه، شناسایی مجرمان، حفظ آثار، جمع‌آوری دلایل و مدارک و چگونگی ارتکاب جرم و همچنین تشخیص هویت افراد مرتبط با جرم پرداخته و بدین‌وسیله به نظام عدالت کیفری یاری می‌رساند. به عبارت دیگر این علم به‌عنوان یک دانش مستقل با بهره‌گیری از امکانات علمی در جهت اثبات جرم و ارائه دلایل محکمه‌پسند با روش نوین و مؤثرتر از گذشته برای کشف جرم راه را برای پلیس و نظام قضایی هموار می‌کند تا بتوانند ضمن رسیدن به اهداف عدالت قضایی از حرکت در مسیر غیرقانونی پرهیز نمایند؛ زیرا با استفاده از تخصص‌های مختلف، وارد چرخه بررسی پدیده مجرمانه شده و به قاضی در تشخیص گناهکار بودن یا بی‌گناهی متهم کمک می‌کند و به‌صورت عملی و کاربردی وارد پدیده مجرمانه شده و با مطالعه و بررسی از زاویه کشف، جمع‌آوری دلایل فیزیکی و مادی و تحلیل و اثبات آن و شناسایی مجرم با پاسخ‌گویی به پرسش‌های چگونگی وقوع جرم و رفع ابهامات قانونی به‌عنوان ابزار مؤثر نظام کیفری عمل می‌کند.

۳-۲- ارتباط با اجزای نظام عدالت کیفری: مهم‌ترین اجزایی که در چرخه عدالت کیفری نقش دارند و مؤثر واقع می‌شوند عبارت‌اند از پلیس، مقامات قضایی، بزه دیده، متهم و جامعه که این کنش‌گران هرکدام به‌نوبه خود در این چرخه نقش‌آفرینی کرده و بهره می‌برند. پلیس و مقامات قضایی رکن نظام عدالت کیفری جامعه بوده و تأمین‌کننده امنیت اجتماعی و قضایی افرادند و بزه دیده به دنبال احقاق حق خود از طریق نهادهای قانونی بوده و متهم تلاش می‌کند تا در سایه قوانین و مقررات بتواند بی‌گناهی خود را ثابت کند و جامعه نیز در این چرخه به دنبال بهره‌گیری از احساس امنیت اجتماعی در پرتو عملکرد دستگاه‌های مرتبط است. علم جرم‌یابی در ارتباط با این گروه‌ها نقش ایفا کرده و می‌تواند تضمین‌کننده عدالت کیفری باشد.

الف) ارتباط با پلیس: آزمایشگاه‌ها و مراکز جرم‌یابی روابط نزدیکی با ضابطان دادگستری و نهادهای مسئول اجرای قوانین کیفری دارند. ادله مادی جرم معمولاً

توسط مأموران پلیس ضبط و جمع‌آوری می‌شود. کارشناسان جرم‌یابی برای آگاهی از اطلاعات اولیه جنایی نیازمند گفتگو با افسران پلیس مسئول رسیدگی به پرونده هستند. این گفتگوها به تحلیل‌گران جرم‌یابی کمک می‌کند تا به ارزش و اهمیت هر یک از ادله موجود در صحنه جرم پی ببرند. برای نمونه آگاهی از روابط قبلی میان بزه‌کار و بزه دیده سهم به‌سزایی در تعیین نوع ادله جمع‌آوری‌شده و میزان اهمیت آن دارد. همراهی کارشناسان جرم‌یابی با همکاران پلیس خود، برای اثبات یا رد فرضیه‌های پلیسی ممکن است آنان را در معرض نقض اصول اخلاقی ناظر بر جرم‌یابی قرار دهد. یکی از وظایف مدیریت آزمایشگاه جنایی این است که اصل بی‌طرفی متخصصان آزمایشگاهی را تضمین کند تا این واحدها بتوانند به‌دوراز هرگونه شائبه جانب‌داری، تحلیل‌های کارشناسی خود را به‌طور مستقل اعلام کنند (فرجی‌ها ۱۳۹۰: ۸).

ب) ارتباط با مقامات قضایی: اگر گزارش‌های پلیس به‌صورت دقیق از جزئیات جرم ارتكابی مبتنی بر علم جرم‌یابی تهیه‌شده باشد، در مرحله تعقیب کیفری و رسیدگی‌های قضایی آثار مثبت خود را نمایان خواهد نمود حضور کارشناسان جرم‌یابی در جلسه‌های بازپرسی و رسیدگی قضایی برای دفاع از نظریه کارشناسی و پاسخ دادن به ابهامات قضایی سبب افزایش اعتبار تحلیل‌ها و استدلال‌های متخصصان جرم‌یابی می‌شود. اگر مقام قضایی چه در مرحله تحقیقات مقدماتی در دادسرا و چه در مرحله دادرسی در دادگاه با گزارش‌های علمی و مستند و مستدل جرم‌یاب مواجه شود، با اطمینان بیشتر و با اعتقاد راسخ تصمیم قضایی اتخاذ خواهد نمود که این امر عدالت قضایی را به‌خوبی تضمین می‌کند.

پ) ارتباط با بزه دیده: کارشناسان علوم جرم‌یابی که مسئول تحقیق در مورد جرائم هستند حافظ منافع بزه دیده و مراقب خواهند بود تا دلایل موجود در صحنه جرم از بین نرود؛ زیرا این دلایل در صحنه جرم مانند شهود خاموشی هستند که اگر به‌صورت دقیق و صحیح استفاده شود می‌تواند گره از واقعه مجرمانه گشوده و مانع پاپمالی و از بین رفتن حقوق بزه دیده باشد؛ بنابراین کارشناسان جرم‌یاب در برابر بزه دیده و بستگان او متعهد هستند که دلایل موجود را به‌طور و دقیق مورد

تجزیه تحلیل قرار دهند.

آثار ناشی از تجزیه و تحلیل‌های علمی جرم‌یابی تنها محدود به احقاق حقوق بزه دیدگان نیست، بلکه با شناسایی و دستگیری متهمان از تکرار جرم آنان و بزه دیدگی دیگر افراد جامعه نیز پیشگیری می‌شود. هم‌چنین تشخیص به موقع و اقدامات مؤثر موجب کاهش فرصت ارتکاب جرایم در آینده می‌شود، هرچند ممکن است تعهد جرم‌یابی مبتنی بر حمایت از حقوق بزه دیده موجب شبهه به مخاطره افتادن حقوق دفاعی متهم شود، ولی تنظیم روابط و نظام‌مند کردن اقدامات جرم‌یابی که باهدف کشف حقیقت ارتکاب می‌یابد، چه بسا موجب احیای حقوق متهم شده و بدین‌وسیله بی‌گناهی احتمالی وی اثبات می‌شود.

ت) ارتباط با متهم: کارشناسان جرم‌یابی علاوه بر وظیفه اثبات جرم مسئولیت احراز بی‌گناهی افراد را نیز بر عهده دارند، همان‌طوری که یکی از مهم‌ترین اهداف نظام کیفری مجازات نشدن بی‌گناهان است.

توجه به وضعیت اخذ قرار و ادای شهادت شهود علیه متهمان در بسیاری از نظام‌های کیفری بیانگر بی‌اعتباری نسبی این ادله به علت عدم رعایت شرایط قانونی در تحصیل آن است. در این میان تجهیز واحدهای پلیس و ضابطان دادگستری به تخصص‌های علم جرم‌یابی موردنیاز نقش مهمی در تضمین سازوکارهای دادرسی منصفانه خواهد داشت.

برای مثال استفاده از آزمایش‌های DNA می‌تواند متهمان را از فرایند اتهام‌واهی و به دنبال آن بازداشت‌های موقت رها نماید، با رواج بهره‌گیری از آزمایش DNA در نظام‌های پیشرفته تحقیقات جنایی، سرنوشت بسیاری از متهمان و حتی محکومان پس از انجام این آزمایش‌ها تغییر کرده و بی‌گناهی اثبات شده است. عملاً مصادیق زیادی وجود دارد که افراد به ارتکاب جرائم جنایی محکوم و تمامی دلایل صحنه و شواهد علیه متهم بوده است، ولی با استفاده از آزمایش DNA بر روی آثار بیولوژیکی باقی‌مانده در صحنه جرم معلوم می‌شود که این آثار متعلق به او نبوده و مربوط به شخص دیگر است؛ بنابراین بدین طریق حقوق شهروندی متهم به‌منظور بهره‌گیری از یک دادرسی عادلانه با تمسک به علم جرم‌یابی حفظ خواهد شد. از سوی دیگر

استفاده مراجع قضایی از گزارش‌ها و تجزیه و تحلیل سریع دلایل مادی یافته شده در صحنه جرم موجب کاهش اطاله دادرسی و رفع اتهام از متهمان بی‌گناه خواهد شد.

ث) **در رابطه با جامعه:** احساس امنیت و اطمینان از اینکه بزهکاران سریعاً دستگیر و به مجازات قانونی خود می‌رسند، یکی از مهم‌ترین نیازهای واقعی جامعه است؛ زیرا افراد جامعه باید با تکیه بر این موضوع بتوانند به راحتی به فعالیت‌های اجتماعی خود پرداخته و در جهت رشد و توسعه فردی و اجتماعی حرکت نمایند.

استفاده از دانش جرم‌پایی و تهیه و تنظیم گزارش‌های دقیق و کارشناسی از چگونگی ارتکاب جرم و جزئیات حادثه جنایی که توسط ضابطان دادگستری در مرحله تحقیقات مقدماتی به عمل می‌آید موجب می‌شود که دادرسی‌های کیفری در مدت کم و با دقت کافی به نتیجه رسیده و مردم جامعه اعتقاد پیدا کنند که با بزهکاران با سرعت، حتمیت و قطعیت برخورد شده و عدالت کیفری برقرار خواهد شد با این وصف حقوق شهروندی افراد جامعه مبنی بر لزوم احساس امنیت به خوبی تأمین و حفظ خواهد شد.

نتیجه‌گیری

با نگاهی همه‌جانبه به مفهوم ارزشمند حقوق شهروندی و توجه به ابعاد مختلف آن می‌توان دریافت که حق دادرسی عادلانه و مصون ماندن شهروندان از تعرض‌های احتمالی غیرقانونی و مخالف با کرامت انسانی، یکی از ابعاد مهم حقوق شهروندی به حساب می‌آید. مفهوم بزهکاری یک جایگاه جدای از افراد جامعه نیست و هر کدام از اعضای جامعه که در شرایط عادی موقعیت و جایگاه اجتماعی مشخصی دارند، هر لحظه می‌توانند در مظان اتهام قرار گرفته و به‌عنوان مظنون یا متهم ظاهر شوند؛ بنابراین افراد جامعه به‌عنوان عضوی از پیکره ارزشمند آن حق دارند که در پناه قانون بتوانند بی‌گناهی خود را ثابت نمایند و در این مسیر باید از هرگونه تعرض احتمالی در امان بمانند.

پلیس در چرخه عدالت کیفری نقش به‌سزایی دارد؛ زیرا قانون‌گذار کشور ما به مقامات تحقیق اجازه داده تا برخی وظایف خود را در حوزه تحقیقات مقدماتی به پلیس و ضابطان دادگستری محول نماید و تجربه نشان داده که مقامات قضایی از این فرصت قانونی به‌صورت موسع استفاده نموده و بخش کثیری از اقدامات مربوط به تحقیقات مقدماتی را به پلیس محول می‌نمایند. با این وصف پلیس به‌صورت فعال در نظام عدالت کیفری نقش آفرینی می‌نماید لازمه این نقش آفرینی تسلط و مجهز شدن پلیس به علم روز است.

امروزه در دنیای فناوری هر اقدام ناآگاهانه غیرعلمی حتی اگر از روی دلسوزی باشد، آثار منفی متعددی به دنبال دارد که صدمات جبران‌ناپذیری به ابعاد مختلف زندگی اجتماعی وارد می‌سازد. در امر تحقیقات پلیسی مهم‌ترین آفت استفاده نکردن از دستاوردهای کشف علمی جرائم و علم جرم‌یابی است؛ زیرا اگر ضابط دادگستری از چنین دانشی بهره نبرد، طبیعتاً برای کشف حقیقت و گشودن گره از پرونده‌های پیچیده جنایی خواسته یا ناخواسته به‌سوی تعرض به جسم و روح متهم پیش خواهد رفت و با این کار نادرست نه‌تنها حقوق شهروندی متهم و مظنون نقض خواهد شد، بلکه در بسیاری از موارد دیده‌شده که فرد متهم در این شرایط ارتکاب جرائمی را پذیرفته که بعدها مرتکب اصلی آن عمل مجرمانه شناسایی و دستگیر شده است؛ بنابراین حقوق شهروندی متهم و سایر افراد مرتبط با دعوی کیفری زمانی حفظ خواهد شد که در مراحل تحقیقات مقدماتی به‌ویژه بازجویی‌ها از روش‌های کاملاً علمی و دقیق استفاده شود.

اگر پلیس صحنه جرم را به‌خوبی و بر اساس اصول علمی بررسی نموده و دلایل مادی را با دقت کامل جمع‌آوری کند و این دلایل با روش‌های علمی حفظ و به آزمایشگاه تحقیقات جنایی ارسال شود و کارشناسان خبره و متخصص جرم‌یاب به‌خوبی بتواند ارتباط دلایل و آثار به‌دست‌آمده از صحنه جرم را آشکار نماید، دیگر چه لزومی خواهد داشت که متهم تحت فشار قرار گرفته و یا خدای‌ناکرده در بازجویی‌ها به حقوق وی تعرض شود.

باید دانست که توصیه به رعایت حقوق شهروندی توسط مأموران و ضابطان دادگستری زمانی مؤثر واقع خواهد شد که اولاً دانش و فناوری روز در اختیار پلیس قرار گیرد، سپس آموزش لازم به وی داده شود تا این اعتقاد در ضابط دادگستری ایجاد شود که بدون تعرض به حقوق متهم می‌توان حقیقت را آشکار و عدالت کیفری را به معنای واقعی تأمین نمود؛ زیرا تأمین عدالت، رسیدگی به پرونده و مختومه کردن آن نیست، بلکه کشف حقیقت و اجرای عدالت است. به‌گونه‌ای که هیچ گناهکاری نتواند از چنگال عدالت بگریزد و هیچ بی‌گناهی مجازات نشود. برای تحقق این موضوع اجماع تمام نهادهای دخیل در چرخه عدالت کیفری ضرورت دارد، به‌طوری‌که قاضی باید به استفاده از دلایل علمی و کارشناسی اعتقاد داشته باشد، پلیس باید به علم روز در حوزه کشف علمی جرائم به علم روز مجهز شود و سیستم سازمانی نیز باید با آخرین فناوری موجود تجهیز شود تا متهم بتواند در سایه قوانین آیین دادرسی کیفری و پلیس آگاه به قانون و مجهز به فناوری، بی‌گناهی خود را ثابت کند و مرتکبان واقعی جرم نیز اطمینان داشته باشند که نخواهند توانست از چنگال عدالت بگریزند؛ بدین ترتیب با استفاده از علم جرم‌یابی و کشف علمی جرائم، حقوق دفاعی متهم محترم شمرده‌شده، از اطاله دادرسی جلوگیری و منافع بزه دیده نیز حفظ خواهد شد که هر کدام از آن‌ها امروزه به‌عنوان یک هدف ارزشمند در نظام کیفری محسوب می‌شود.

پیشنهادها

- ۱- ابعاد مختلف حقوق شهروندی برای پلیس و ضابطان دادگستری به‌صورت مستمر آموزش داده شود، به‌گونه‌ای که حقوق شهروندی متهم در فرایند کشف جرم و تحقیقات مقدماتی به‌عنوان یکی از صور مهم حقوق شهروندی نهادینه شود.
- ۲- مقامات قضایی رسیدگی‌کننده به پرونده کیفری بیش از گذشته به دلایل علمی اعتماد کرده و ضابطان دادگستری را به‌سوی استفاده از دستاوردهای جرم‌یابی و کشف علمی جرائم سوق دهند.

۳- سیستم کشف علمی جرائم در ناجا به قدری توسعه داده شود تا مأموران مطمئن باشند که بهترین راه انجام وظیفه و رسیدن به حقیقت، بهره‌گیری از روش‌های علمی و تخصصی و استفاده از گزارش‌ها و آزمایشگاه‌های تحقیقات جنایی است.

منابع

- آخوندی، محمود (۱۳۹۲)، اثبات بزهکاری و راهنماهای آن، سازمان چاپ و انتشارات تهران.
- آقاخانی جعفر، سارخانلو بهزاد (۱۳۹۴)، مسئولیت کیفری پلیس ناشی از نقض حقوق شهروندی، انتشارات معاونت حقوقی و امور مجلس ناجا، تهران.
- اردبیلی، محمدعلی (۱۳۹۲)، حقوق جزای عمومی، جلد ۱، انتشارات میزان، تهران.
- انصاری، ولی اله (۱۳۸۰)، کشف علمی جرائم، انتشارات سمت، تهران.
- رحیمی نژاد، اسمعیل (۱۳۸۷)، کرامت انسانی در حقوق کیفری، انتشارات میزان، تهران.
- سلیمی صادق، بخشی زاده اهری امین (۱۳۹۳)، تحلیل ماده به ماده قانون آیین دادرسی کیفری، انتشارات جاودانه جنگل، تهران.
- سیگل، جی ای (۱۳۸۶)، دایره المعارف علوم جنایی، ترجمه منصوره نیکو اخلاق، نشر کارآگاه، تهران.
- فرجیها، محمد (۱۳۹۰)، مدیریت امور جرم‌یابی، نشریه کارآگاه، شماره ۱۵، تهران.
- قاسم‌پور، ابوالقاسم (۱۳۸۱)، ضابطین قوه قضاییه و وظایف آن‌ها، انتشارات افق امید، تهران.
- نجابتی، مهدی (۱۳۹۲)، پلیس علمی، انتشارات سمت، تهران.
- نجفی ابرندآبادی علی حسین، هاشم بیگی حمید (۱۳۷۷)، دانشنامه جرم‌شناسی، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، تهران.

